

## از ارکستر بلدیة تارکستر سمفونیک تهران

### سماء بابایی

رویک گریگوریان به روی صحنه برد که در آن قطعات «اوبرون» اثر کارل ماریا فون وبر، سمفونی دوی بتهوون، «نوروز» اثر پرویز محمود و همچنین کنسرتو ویولن برامس با همکاری کولت فرانتس، سولیست توانای فرانسوی اجرا شد. پس از آن، در دی ماه همان سال گریگوریان اثری از خود را با عنوان «سوئیت ایرانی» اجرا کرد.

در همان زمان حشمت سنجرى، به عنوان سولیست، کنسرتو ویولن بتهوون را با همکاری ارکستر به رهبری محمود اجرا کرد. اکنون تعداد نوازندگان ارکستر به ۵۳ نفر رسیده بود و در آخرین دوره رهبری محمود، آهنگسازان خلاق و مبدعی درصدد آفرینش آثاری ملهم از موسیقی ایرانی و متفاوت با شیوه مرسوم مکتب وزیرى برآمدند. مرتضی حنانه از جمله این آهنگسازان بود که برای نخستین بار دست به تجربیاتی در هارمونی زوج و کوارتال (اکوردهای با فاصله‌های چهارم) و تلفیق آن با موسیقی ایرانی زد.

پس از محمود، گریگوریان در کنسرت‌های خود آثار متفاوتی چون «اورتور کربولان» از بتهوون، سمفونی شش چایکوفسکی، «روندو کاپریچیو» از کامیل سن سان و «سوئیت ایرانی» از محمود را اجرا کرد و سرانجام با مهاجرت وی در تابستان ۱۳۳۰، ارکستر سمفونیک برای چندمین بار از بدو تاریخ تشکیل خود، طعم تعطیلی و تعلیق را چشید.

در فاصله یک ساله ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱، روبن صفاریان ارکستر سمفونیک تهران را رهبری کرد و آثار مشهوری چون سمفونی پنج بتهوون، «فاوست» اثر گونو و نیز «سوئیت ایرانی» از گریگوریان را اجرا کرد. در سال بعد، رهبری ارکستر به موسیقی دان خوشفکر، مرتضی حنانه، سپرده شد. حنانه قطعه‌ای را به نام «هنوت» برای ارکستر نوشت و در کنسرت‌های مختلفی این قطعه را به همراه «کنسرتو پیانو» از شوپن، «راپسودی مجار» از لیست، «اورتور فیدلیو» از بتهوون، «فنلاندیا» از سیلیوس و... اجرا کرد. وی در فصل کاری خود، دو قطعه با نام‌های «رقص رنگرزا» و «سوئیت شهر مرجان» نوشت و با ارکستر اجرا کرد که این دومی، موجبات اخذ بورس تحصیلی و سفر به ایتالیا را برای وی فراهم آورد. پس از عزیمت حنانه، سرژ خوتسیف، نوازنده چیره دست ویولن، رهبری ارکستر را در دست گرفت و نخستین کنسرت خود را در اسفند ۱۳۳۲ اجرا کرد.

حشمت سنجرى نیز از ۱۳۲۸، رهبری «ارکستر هنرجویان هنرستان» را به عهده گرفت و در کنسرت‌های خود آثاری از بیزه، بتهوون، چایکوفسکی و اثری از خود را با نام «سوئیت رنگارنگ» اجرا کرد.

پس از مراجعت سنجرى از آمریکا به ایران در سال ۱۳۳۵، نوازندگانی از اتریش نیز به همراه وی به ایران آمدند و در بهبود کیفیت ارکستر و همچنین جبران نقایص و فقدان برخی از سازها نقش مهمی ایفا کردند.

علی‌رغم وضعیت ناهنجاری که ارکستر سمفونیک تهران در سال‌های اخیر با آن روبه روست، این ارکستر در ایران دارای سابقه‌ای بسیار طولانی است و باید آن را از قدیمی‌ترین ارکسترهای خاورمیانه قلمداد کرد. تشکیل ارکستر مدرسه موسیقی در سال ۱۳۰۳ توسط کلنل علینقی وزیرى را می‌توان اولین حرکت در زمینه تشکیل ارکسترهای سمفونیک در ایران دانست. پس از آن ارکستر سمفونیک بلدیة (شهرداری) به رهبری مین‌باشیان با حدود چهل نوازنده به عنوان نخستین ارکستر سمفونیک تهران فعالیت خود را آغاز کرد. این ارکستر اولین کنسرت خود را در سالن سینما همای سابق، روز جمعه سیزدهم مهر ۱۳۱۳ به مناسبت جشن هزاره فردوسی برگزار کرد که در آن مین‌باشیان قطعه‌ای از خود را با عنوان «سه داستان شاهنامه» همراه با دسته خوانندگان نیکل قلندریان، که از نخستین آنسامیل‌های کر ایرانی به شمار می‌رفت، اجرا کرد. این ارکستر سوم اردیبهشت ۱۳۱۴، دومین کنسرت خود را برگزار کرد که رپرتوار این کنسرت علاوه بر «سه داستان شاهنامه» اثر مین باشیان، پیش درآمد اگمونت از بتهوون، سمفونی ناتمام شوپرت، «آرلین» و ۲۱ از بیزه در قسمت اول و «شبی مخوف بر فراز کوه» از موسورگسکی، «ترانه‌های کریمه» از اسپندیارف، «پرگینت» از ادوارد گریگ و «ریموند» از توماس بود.

بعد از آن ده‌ها تن از موزیسین‌های اهل چکسلواکی به این ارکستر اضافه شدند و رهبری آن نیز به رودلف اوریانتس سپرده شد و حاصل این تجدید سازمان، دوازده کنسرت و اجرای آثاری از پوچینی، دورژاک، اسمتانا و... بود. پس از شهریور ۱۳۲۰ و در پی حمله متفقین و اشغال ایران، مین باشیان از ریاست اداره موسیقی برکنار شد و برخی از همکاران وی نیز از جمله صادق هدایت و نیما یوشیج به خدمت خود پایان دادند.

پس از چند ماه رکود و ریاست مجدد علینقی وزیرى بر هنرستان، ارکستر سمفونیک با نام «ارکستر هنرستان موسیقی» توسط پرویز محمود، که در کنسرواتوار بروکسل تحصیل کرده بود، کار خود را آغاز کرد. نخستین کنسرت این ارکستر پس از چندین ماه با حضور لئون کئی‌پر، رهبر ارکستر اهل شوروی، به نفع بنگاه حمایت مادران در بهمن همان سال برگزار شد و آثاری از وزیرى، خالقی و کئی‌پر به اجرا درآمد.

محمود مدتی بعد، از رهبری ارکستر کناره گیری کرد و در اقدامی بی‌سابقه دست به تشکیل ارکستری مستقل و به دور از وابستگی‌های دولتی به نام ارکستر سمفونیک تهران زد و پس از آنکه به جای علینقی وزیرى سمت ریاست هنرستان را عهده دار شد، ارکستر سمفونیک تهران را جایگزین ارکستر هنرستان موسیقی که اغلب نوازندگان آنها یکسان بودند، کرد.

در اواخر سال ۱۳۲۷، ارکستر سمفونیک تهران کنسرتی را به رهبری



یافتند و برای آغاز برنامه‌ها، استخدام نوازندگان چیره دست و ماهر ارکسترهای خارجی در دستور کار ارکستر قرار گرفت.

اندکی بعد، ارکستر اپرای تهران نیز به رهبری لوریس چکناواریان، موجودیت خود را در صحنه موسیقی کشور اعلام کرد و جالب اینکه بیش از هشتاد درصد نوازندگان این ارکستر را نوازندگان خارجی تشکیل می‌دادند که بیشتر از کشورهای بلوک شرق به ایران مهاجرت کرده بودند. بر پایه چنین تفکری بود که جریان تصفیه نوازندگان ایرانی از ارکستر سمفونیک تهران به راه افتاد و بیشتر نوازندگان زبردست ایرانی هم نقش‌های کلیدی ارکستر را در اختیار نداشتند.

البته در این دوره، برای نخستین بار، برجسته‌ترین سولیست‌های اروپایی برای همکاری با ارکستر به تهران سفر و کنسرت‌هایی را با کیفیت بسیار مطلوبی اجرا می‌کردند. در دوران تصدی مشکات، بیشترین حجم اجراهای ارکستر سمفونیک در کنار قطعات اندک‌شمار آهنگ‌سازان ایرانی، به آثار آهنگ‌سازان غربی اختصاص می‌یافت و در فقدان فضای لازم برای رقابت میان نوازندگان ایرانی، انگیزه نوازندگان جوانی که در هنرستان‌ها مشغول به تحصیل بودند برای بهبود کیفیت و ارتقای سطح نوازندگی خود روز به روز به طرز اسف‌انگیزی نزول می‌کرد. هرچند که آهنگ‌سازان ایرانی در آن سال‌ها آثار ژرف و پرمعنایی برای ارکستر پدید آوردند، اما از سویی به دلیل انکای بیش از پیش ارکستر به نوازندگان خارجی و جو حاکم بر آن و از سوی دیگر به سبب قلت آن آثار و فقدان امکانات پیشرفته ضبط و انتشار موسیقی ارکسترال، بسیاری از آثار ارزنده در سال‌های بعد به دست فراموشی سپرده شد و اکنون حتی پارتیتورهای برخی از این قطعات نیز در دسترس نیست.

هنرستان‌های موسیقی نیز که پایه اساسی و بدنه نهایی ارکستر را در سال‌های مختلف آموزشی خود تشکیل می‌دهند، به همان دلایلی که ذکر آنها در بالا رفت، از تغذیه شایسته و مناسب ارکستر فوق عاجز ماندند.

پس از انقلاب اما ارکستر سمفونیک کم‌تعداد تهران که دیگر نشانی از آن ابهت و جلال گذشته در آن دیده نمی‌شد، بیشتر رپرتوار خود را به ضبط موسیقی سرود اختصاص می‌داد. سرودهایی که در آن دوران تولید می‌شدند از ویژگی‌های مشابهی برخوردار بودند؛ غالب این آثار در فضایی حماسی و بر مبنای اشعار سروده‌شده، ساخته می‌شدند. در دوران سی ساله پس از انقلاب، این ارکستر فراز و فرودهای بسیاری به خود دید. در این دوران رهبران متعددی چون فریدون ناصری، لوریس چکناواریان، شهرداد روحانی، منوچهر و ایرج صهبایی، علی رهبری، نادر مشایخی و... اداره ارکستر سمفونیک تهران را بر عهده گرفتند که هیچ کدام نتوانستند وضعیت ناپهنجاری را که این ارکستر با آن روبه‌رو بوده تاب آورند و بدین ترتیب، هیچ اجرای قوی‌ای از آن مشاهده نشده است.

حشمت سنجری قطعه‌ای را به نام «تابلوهای ایرانی» در موومان‌های «افق بی کران»، «رقص مضراب‌ها»، «دو حالت» و «سرانجام» نوشت که اکنون اجرایی از آن با ارکستر فیلارمونیک پلودیو به رهبری دکتر منوچهر صهبایی موجود است.

از سال ۱۳۳۶ رهبری ارکستر سمفونیک به هایمو توپیر، موزیسین اتریشی، سپرده شد و او تا پایان دوره رهبری خود (۱۳۳۹ش) در حرکتی بی سابقه برای نخستین بار «رکونیم موتسارت» را به همراهی «گروه آواز جمعی هنرهای زیبای کشور» و «کنسرتو پیانوی شماره ۲»، اثر امین الله حسین، آهنگ‌ساز خوش قریحه ایرانی تبار را اجرا کرد. توپیر در کنسرت‌های خود، به نسبت رهبران پیشین توجه بیشتری به آثار موتسارت، از جمله «عروسی فیگارو» و «اورتور فلوت سحر آمیز» نشان می‌داد.

پس از او سنجری مجدداً رهبری ارکستر را برای یک دوره پربار به دست گرفت و کنسرت‌های متعددی را به مناسبت‌های مختلف اجرا کرد. در این دوره فضا برای حضور قطعات جدی آهنگ‌سازان ایرانی باز تر شد و آثار متفاوتی از ایشان در سال‌های مختلف به اجرا درآمد.

کنسرتو پیانوی امین الله حسین، پرلود، آریا، توکانا و فوگ برای ارکستر زهی و تیمپانی اثر لوریس چکناواریان، «رؤیای یک شیطان کوچک» اثر مرتضی حنانه، قطعه‌ای برای سازهای زهی اثر مصطفی کمال پورتراب، «زال و زودابه» اثر ثمین باغچه بان، فانتزی برای ارکستر اثر هوشنگ استوار و... همگی در دهه ۱۳۴۰ شمسی و با اجراهای نسبتاً کامل و پسندیده‌ای به جامعه موسیقی ایران ارائه شدند.

آهنگ‌سازان ایرانی در این دوره، بیشترین توجه خود را به قالب‌های کلاسیک و رمانتیک موسیقی معطوف کرده بودند و طبعاً آثار ایشان متأثر از تکنیک‌های غالب آن دوره‌های فرهنگی بود.

در آن دوره موزیکولوژیست‌هایی چون محمدتقی مسعودیه، فوزیه مجد و هرمز فرخت نیز قطعاتی را برای ارکستر می‌نوشتند که از این میان دو قطعه با نام‌های «دو موومان برای ارکستر سازهای زهی»، اثر محمد تقی مسعودیه و «مازندرانی» (راپسودی برای ارکستر)، اثر هرمز فرخت به رهبری فرشاد سنجری در سال ۱۳۴۹ اجرا شد. فرشاد سنجری در همان سال نیز اثر مشهوری را از احمد پژمان با عنوان «راپسودی» اجرا کرد.

پس از انتصاب فرهاد مشکات به سمت رهبری ارکستر در سال ۱۳۵۱، تغییر و تحولاتی چند در سطوح مختلف مدیریتی و اجرایی ارکستر سمفونیک تهران صورت پذیرفت. فرهاد مشکات در آمریکا به تحصیل هم زمان در رشته‌های موسیقی و اقتصاد پرداخته بود و پس از مراجعت به کشور، اندیشه بین المللی کردن ارکستر سمفونیک تهران را در سر می‌پروراند. از این رو، شاخصه‌های اساسی مدیریت ارکستر جهتی دیگر